۱

۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل سعود

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



خبرگزاری فارس

گروه دیدگاه / حوزه سیاست و امنیت ۹۴/۰۷/۱۶ :: ۰۰:۰۴

دکتر کامیار صداقت

۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل‌سعود

جنایتی که در منا رخ داد، حلقه آشنایی ایرانیان و جهان اسلام را با آل‌سعود تکمیل کرد و شناختی بی‌پرده و مستقیم از آل‌سعود را به حافظه تاریخی ایرانیان و مسلمانان جهان سپرد.

برخی رخدادها و وقایع مهم از این امتیاز برخوردارند که معیاری برای قضاوت آیندگان می‌شوند و به حافظهٔ تاریخی ملت‌ها سپرده می‌شوند. برای مثال، کشتار مردم یمن به دست سربازان سعودی، هرچند بسیار تلخ و غمبار است، امّا موجب شده است تا در یمن هویتی شکل گیرد که چهرهٔ آل سعود را بی‌واسطه و بی‌پرده ببینند و بعدها نتایج جنایات سعودی‌ها را می‌توان در هویت‌یابی مردم یمن مشاهده کرد.

قیام مردم مصر هرچند سرکوب شد و در این سرکوبی اشتباهات فاحش رهبران اخوان ازجمله اعتمادشان به



الف

۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل سعود



امروز : جمعه 15 مرداد 1395 / ساعت : 17:26:26

فرهنگ پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی

عناوین کل اخبار | سیاسی | فرهنگی | بین‌الملل | ورزشی | خواندنی‌ها | عکس | گرافیک | فیلم و صوت

سیاسی — 94/7/16 - 20:52 — شناسه خبر : 149017

۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل‌سعود

جنایتی که در منا رخ داد، حلقه آشنایی ایرانیان و جهان اسلام را با آل‌سعود تکمیل کرد و شناختی بی‌پرده و مستقیم از آل‌سعود را به حافظه تاریخی ایرانیان و مسلمانان جهان سپرد.

The Kingdom of Saudi Arabia — المملكة العربية السعودية

به گزارش فرهنگ نیوز، برخی رخدادها و وقایع مهم از این امتیاز برخوردارند که معیاری برای قضاوت آیندگان می‌شوند و به حافظهٔ تاریخی ملت‌ها سپرده می‌شوند. برای مثال، کشتار مردم یمن به دست سربازان سعودی، هرچند بسیار تلخ و غمبار است، امّا موجب شده است تا در یمن هویتی شکل گیرد که چهرهٔ آل سعود را بی‌واسطه و بی‌پرده ببینند و بعدها نتایج جنایات سعودی‌ها را می‌توان در هویت‌یابی مردم یمن مشاهده کرد.

قیام مردم مصر هرچند سرکوب شد و در این سرکوبی اشتباهات فاحش رهبران اخوان ازجمله اعتمادشان به آل سعود نقش برجسته‌ای داشت، اما مردم مسلمان مصر (جز گروه‌های سلفی تابع سعودی) و پیروان اخوان که از سوی آل سعود لقب

۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل سعود

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



برخی رخدادها و وقایع مهم از این امتیاز برخوردارند که معیاری برای قضاوت آیندگان می‌شوند و به حافظۀ تاریخی ملت‌ها سپرده می‌شوند. برای مثال، کشتار مردم یمن به دست سربازان سعودی، هرچند بسیار تلخ و غمبار است، امّا موجب شده است تا در یمن هویتی شکل گیرد که چهرۀ آل سعود را بی‌واسطه و بی‌پرده ببیند و بعدها نتایج جنایات سعودی‌ها را می‌توان در هویت‌یابی مردم یمن مشاهده کرد.

قیام مردم مصر هرچند سرکوب شد و در این سرکوبی اشتباهات فاحش رهبران اخوان ازجمله اعتمادشان به آل سعود نقش برجسته‌ای داشت، اما مردم مسلمان مصر (جز گروه‌های سلفی تابع سعودی) و پیروان اخوان که از سوی آل سعود لقب «تروریست» گرفتند، بی‌واسطه نقش آل سعود را در تغییر سرنوشت کشورشان دیدند و این بیداری آتش زیر خاکستر است.

در عراق و سوریه (از دوست و دشمن) کسی نیست که نداند شورشیان مسلح سلفی با پشتیبانی مستقیم و یا غیرمستقیم آل سعود به میدان آمده‌اند و چنان جنایات دهشتناکی را مرتکب شده‌اند.

در پاکستان، در پس گریۀ مادران و همسران و یتیمان عزادار در عزای کشتار عزیزانشان در ترورهای کور این بیداری به وجود آمده که دستان آل سعود آغشته به خون آن‌هاست و در افغانستان کار به آنجا رسید که سعودی حکومت طالبان (هم‌پیمان القاعده) را به رسمیت شناخت که یک سند آشکار بین‌المللی در همکاری با آن گروه‌های تروریست است.

به تعبیر یکی از دوستان فاضل، امروزه آل سعود مبتلابه حج شده است؛ یعنی حج مسلمانان چه شیعه و یا سنی، برایش گرفتاری بزرگی شده است و می‌کوشد تا با ناامن کردن حج آن را خلوت کند؛ زیرا از سویی آتشی در تمام جهان اسلام برافروخته است، و همه را درگیر جنگ کرده و از سوی دیگر، باید همه‌ساله میزبان کسانی باشد که دل‌هایشان سراسر کینه از آل سعود است و آل سعود نماینده ملک عبدالعزیز است و نه نماینده اسلام؛ و ناگفته نماند و پوشیده هم نیست که پشت سر تفرقه و تضاد در جهان اسلام استعمار و اسرائیل حاضرند.

در این نوشتار کوتاه، مروری سریع به چند واقعه می‌شود که در تکوین حافظه تاریخی ایرانیان از آل سعود مؤثر بوده است و همین کار را می‌توان درباره تجربیات دیگر مسلمانان نیز انجام داد، آنان که دستی در تاریخ دارند می‌دانند که نظایر همین وقایع مانند کشتارها و شبیخون به قافله‌های حاجیانِ یمنی و مصری، در خاندان آل سعود بارها و بارها رخ‌داده است. فاجعه شهادت حاجیان در منا که طبق آمارها تنها حدود ۱۰ درصدشان شهدای ایرانی هستند و مابقی از سایر کشورهای اسلامی، دلیلی شد تا بار دیگر با این پرسش مواجه شویم ما ایرانیان با چه وقایعی با آل سعود آشنا شده‌ایم و یکبار دیگر حافظهٔ تاریخی خود را مرور کنیم.

■ اولین آشنایی ایرانیان با آل سعود از طریقِ حملاتِ آنان به شهرهای عراق و شام و به‌ویژه اماکن مقدس عراق بود که در چند دورهٔ تاریخی تکرار شد؛ مانند حمله به بصره و شهر زبیر (سال ۱۲۰۸ ق) و کربلا (در سال ۱۲۱۶ ق) و یا شام (سال ۱۲۲۵ ق) و این‌گونه حملات به عراق در طول سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ ق بارها تکرار شد و حملاتی نیز به شرق اردن (سال ۱۳۴۳ ق) روی داد که در همهٔ موارد با قتل و عام وسیع مردمان بی‌گناه و نیز غارت مرقد مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام همراه بود. قبح آن کشتارها به حدی بود که حتی دوستانِ آل سعود مانند شیخ محمود شکری آلوسی در کتاب «تاریخ نجد» (الآلوسی، ۱۴۱۵: ۹۸-۹۹) در شرح‌حال سعود بن عبدالعزیز تأکید دارد که «او مردم را از زیارت خانه خدا بازداشت و بر سلطان زمان

خروج کرد و در تکفیر مخالفان خود زیاده‌روی کرد و در اجرای برخی از فرمان‌هایش بسیار سختگیری کرد و آنان (یعنی نجدی‌ها) افرادی به‌غایت قشری و ظاهربین بودند و همین امر موجب شد تا مردم نیز در بدگویی از آن‌ها اغراق کنند. انصاف در میانه‌روی و اعتدال است؛ نه آن مسیری که علمای نجد و مردم عوامشان در قتل و غارت مسلمانان و مؤمنان، به اسم جهاد فی سبیل الله می‌کنند و مانع مردمان از به‌جای آوردن حج می‌شوند » مرحوم علامه سید محسن امین اشاره دارد که آلوسی در این زمینه جانبِ انصاف را رعایت کرده است؛ هرچند در عقایدش درباره «حرام و نامشروع دانستن سوگند به غیر خدا» و نیز «ساختن بارگاه و گنبد بر قبور صالحان» به خطا رفته است.

■ بار دیگر واقعهٔ دیگری رخ داد که ایرانیان را با آل سعود آشناتر کرد و آن تخریب اماکن مقدس حجاز، به‌ویژه «تخریب دوّم» بقیع در دوران سلطنت عبدالعزیز بن سعود (پدر ملک سلمان پادشاه کنونی عربستان) در ۸ شوال ۱۳۴۴ قمری بود. [تخریب اول در پایان دوره اوّل از دوره‌های سه‌گانه حکومت آل سعود در سال ۱۲۲۰ ه.ق رخداده بود.] لازم به ذکر است که پیش از تخریب دوم مراقد مطهر بقیع، در جریان جنگ بین ملک عبدالعزیز و خانواده خاندان شریف مکه در اوایل صفر ۱۳۴۳ ق (سپتامبر ۱۹۲۴م) شهر مقدس مدینه توسط وهابیان بمباران شد و دولت ایران ناشی از فشار افکار عمومی، ۱۶ صفر ۱۳۴۳ ق را رسماً عزای عمومی و تعطیل رسمی اعلام کرد.

■ بار دیگر جنایتی دیگر رخ داد که در تکمیلِ حلقهٔ آشنایی ایرانیان با آل سعود مؤثر بود و آن قتل حاجی ایرانی به نام ابوطالب بن حسین یزدی (در برخی منابع طالب یزدی) بود. او روستایی ساده‌ای از توابع یزد بود که براثر شدّت گرما در زمان طواف خانه خدا دچار حالت تهوع شد و همین امر دستاویزی شد تا مقامات سعودی، به اتهام ملوث کردن خانه کعبه، و بی‌آنکه اجازه دفاع به او بدهند، در میان «صفا و مروه» سر او را با شمشیر بریدند. روز ۲۷ دی‌ماه ۱۳۲۲ شمسی دولت ایران رسماً طی اعلامیّه‌ای خبر واقعه را اعلام کرد و این جنایت هولناک موجب قطع روابط سیاسی ایران با عربستان به مدت چهار سال شد و طی آن مدّت حج زائران ایرانی متوقف شد.

■ متعاقب شهادت ابوطالب یزدی، علمای اسلامی به فکر چاره افتاده و مقدمات تشکیل دارالتقریب اسلامی را مهیّا کردند. از دوران تأسیس دارالتقریب قاهره، که به‌صورت غیررسمی بالغبر هشتاد سال و به‌صورت رسمی بالغبر هفتاد سال می‌گذرد، آل سعود برنامهٔ سازمان‌یافته‌ای را در ترویج و تبلیغ شیعه هراسی به‌ویژه در موسم حج آغاز کرد که حاجیان شیعی و ایرانی کم‌وبیش با آن مواجه شده‌اند و تجربهٔ دیگری از کردارِ ناپسند آل سعود در حافظهٔ تاریخی آنان ثبت شد. یک نمونه از ده‌ها هزار نمونه آن در طی دهه‌های اخیر در سخن میرزا خلیل کمره‌ای مشهود است. او می‌نویسد: «... و کتاب دیگری که در سال گذشته موسم حج بین حاجیان پخش شد به نام الشیعهٔ و السنهٔ. از دانشجویی فارغ‌التحصیل پاکستانی از دانشگاه مدینهٔ منّوره و الحاقی کتاب الخطوط العریضهٔ است که مسلمین را دعوت می‌کند به تبرک به اسم یزید بن معاویه، همان‌که خون سبط پیغمبر (ص) را ریخت و عترت طاهره را کشت و شهر مدینه را برای جنود و سپاه خود مباح کرد تا ده هزار نفر را از خلایق و هزار و هفت‌صد نفر صحابی را کشت که هرکدام مصباح هدایت بودند و از هتک ناموس آن سخن نمی‌گوییم... و کتاب دیگرش که به اسم مجموع السنهٔ نامیده شده و به اسم انصار سنت سلفیه تألیف شده، آتش‌افروز سختی است و این تحرکات است که جدیداً سوژه‌ای در نفوس شیعه امامیه برانگیخته و خشم مردم شیعه را بالاگرفته در منبرها و محفل‌ها سخن از بیزاری از این فرقه و سم‌پاشی آن‌ها است «و أن الحرب مبدءها الکلام.» و حج جای اختلاف‌افکنی نیست و دکتر فرامرز رفیع پور به‌درستی در کتابِ «دریغ است ایران که ویران شود» اشاره کرده است که «حل این مسئله [تبلیغات سوء و اختلاف‌افکنی دشمنان اسلام میان شیعه و سنی] بسیار بسیار مهم‌تر از جلساتی است که سیاستمداران ایرانی در ژنو و وین با کشورهای دیگر نظیر ۵+۱ می‌گذرانند«.

■ با وقوع انقلاب اسلامی، آل سعود به‌عنوان یکی از دشمنان جمهوری اسلامی ایران، از حملهٔ رژیم بعث عراق به ایران حمایت کرد و در تمام سال‌های جنگ، حتی در حملات جنایت‌بار شیمیایی عراق به شهر سنی نشین حلبچه هیچ‌گاه دست از حمایت رژیم صدام نکشید؛ مگر پس از جنگ که سیاست آمریکا و اسرائیل درباره

عراق دچار چرخش شد. این آشنایی نیز قطعه‌ای دیگر از جورچین چهرۀ آل سعود را برای ایرانیان تکمیل کرد.

■ کشتار حجاج در مکه ۹ مرداد ۱۳۶۶ شمسی برابر با ۴ ذی‌حجه سال ۱۴۰۷ ق که به‌نام «جمعه خونین مسلمانان» نامیده شد از دیگر جنایاتی بود که چهره آل سعود و وهابیّت را بیشتر نمایان کرد. و جالب است که در منابع سعودی و تألیفاتِ مفتیان وهابی «راهپیمایی» و «شعار دادن» جهت «اعلان برائت از مشرکین» را تشبه به کفّار نامیدند و آن را تقبیح کردند!

■ امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه الهی – سیاسی‌شان به‌طور خاص از آل سعود یاد کرد و صراحتاً درباره آنان چنین فرمود: «و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق ـ علیهم سلام‌الله ـ به‌طور کوبنده فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی – لعنه‌الله و ملائکته و رسله علیهم – است به‌طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملّیت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمه اثنی‌عشر ـ علیهم صلوات الله وسلم ـ [است]. » نکته جالب‌توجه آنکه امام خمینی هیچ‌گاه از واژه جعلی «عربستانِ سعودی» که با بی‌ادبی، سرزمین وحی را منسوب به خاندان آل سعود می‌کرد، استفاده نکرد و آن را به رسمیّت نشناخت و همواره از واژه حجاز استفاده می‌کرد.

■ کمی بعدتر باز اتفاق دیگری رخ داد که تصویر آل سعود را در نزد مسلمانان ازجمله ایرانیان آشکارتر کرد و آن غربی کردن معماری سنتی اسلامی در شهرهای مدینه منوره و مکه معظمه بود. همان افرادی که زمانی به تخریب سرویس‌های بهداشتی منا (۱۳۹۷ ه.ق) فتوا داده بودند و تخریب را جامه عمل پوشاندند، [که اتفاقاً برخی پیمانکاران طرح عمرانی آن ایرانی بودند،] اینک رؤیای غربی کردن شهرهای اسلامی را در سر می‌پروراندند. در این خصوص، سه دورۀ عمدۀ تاریخی در دوران آل سعود

قابل‌مشاهده است: الف- تخریب اماکن مقدس ب- مبارزه با ورود مظاهر متعارف زندگی ج – غربی کردن شهرهای مقدس مکه و مدینه. که سه مورد مذکور، تغییر رویکرد نیستند، بلکه در ذیل برنامه نهایی آنهایند.

■ کمی بعدتر با حمایت علنی آل سعود از طالبان و حتی به رسمیّت شناختن حکومتشان، توجه ایرانیان باز به سیاست‌های عربستان در اشاعه وهابیّت و ناامنی مرزهای شرقی ایران معطوف شد و زمینه‌ای شد تا متوجه تحرکات آل سعود در مرزهای شرقی ایران شوند.

■ کمی بعدتر تلاش‌های سازمان‌یافته سعودی‌ها برای کنترل ملت‌های اسلامی آغاز شد. حمایت از کودتای نظامیان در مصر و سرنگونی دولت محمد مرسی؛ حمله به یمن؛ مشارکت در سرکوب شیعیان بحرین؛ حمایت از گروه‌های تروریست فعال در عراق و سوریه و لبنان نمونه‌هایی از آن است. اینجا نیز ایرانیان بار دیگر با چهرهٔ واقعی و بی‌پرده آل سعود آشنا شدند؛ چهره‌ای که دیگر خود نمی‌خواهد در پسِ پرده بماند و آشکارا وارد جنگ در جهان اسلام شده بود. این بار ایرانیان علاوه بر ناامنی برخی از مسیرهای زیارتی اولیای الهی، خطر تروریسم را در مرزهای خود احساس کردند.

■ در طی سالیان پس از انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در دو سال اخیر، پدیدهٔ دیگری نیز توجه ایرانیان را به آل سعود جلب کرد و آن جنگ نفتی علیه ایران بود تا محور مقاومت علیه اسرائیل تضعیف شود. آنان با استفاده از تحریم‌های آمریکا، علناً قیمت نفت را به پایین‌ترین سطح خود رساندند تا به‌زعمشان اقتصاد ایران را فلج کنند.

■ جنایتی که در منا رخ داد، حلقهٔ آشنایی ایرانیان و جهان اسلام را با آل سعود تکمیل کرد و شناختی بی‌پرده و مستقیم از آل سعود را به حافظهٔ تاریخی ایرانیان و مسلمانان جهان سپرد. آن هزاران حاجی مسلمان که در ظرف چند ساعت در کنار هم و به عبارت بهتر انباشته بر روی‌هم جان دادند، و به فیض شهادت رسیدند، همه مسلمان بودند، هم شیعه و هم اهل سنت، هم آسیایی و هم آفریقایی، هم شهری و

هم روستایی، نکته مهم آن است که در آن لحظات هیچ‌یک کینه‌ای از دیگری نداشتند، روایت شاهدان نشان می‌دهد که آن‌ها سخت مایل به یاری یکدیگر بودند، ولی بر اثر محبوس شدن توسط نیروهای امنیتی سعودی، ازدحام جمعیت و گرما و تشنگی مفرط توان یاری به یکدیگر را نداشتند و باز شاهدان ماجرا روایت کرده‌اند که آنان در دقایق پایانی عمرشان که شهادتین را بر لبانشان جاری می‌کردند و به دیدار خدای خود می‌شتافتند، چنان نزدیک به هم بوده‌اند که گویی شهادتین را در گوش یکدیگر زمزمه می‌کردند. چه سندی بالاتر از این که مسلمانان همه برادرند، چه سندی بالاتر از این که اختلاف شیعه و سنی اختلافی تصنعی است برای حفظ موجودیت اسرائیل. و چه سندی بالاتر از این که آل سعود دغدغه عزّت و سلامت و سعادت مسلمانان را ندارد؟ نویسنده در مصاحبه‌ای به اهمیت خطبه‌های پیامبر اعظم (ص) در حجۀالوداع و ضرورت امنیت مسلمانان در حج اشاره داشته است که آل سعود هرگز عمل به دستورات مؤکد آن حضرت (ص) نکردند. بدان مراجعه شود (۱)

پانوشت:

۱) (مصاحبه با عنوان: استادیار پژوهشگاه علوم انسانی: حکام آل سعود از خطبه‌های "حجۀ الوداع" فاصله گرفته‌اند. خبرگزاری نسیم ۱۳۹۴/۷/۱۰ شمسی به نشانی:
http://nasimonline.ir/detail/News/۱۶۲/۱۰۲۹۴۸۶

منبع: خبرگزاری فارس شماره : ۱۳۹۴۰۷۱۵۰۰۱۲۹۴ ۱۶/۰۷/۹۴

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۷۱۵۰۰۱۲۹۴